

کاربست نظریه «فضای دورگه» در جنبش ۱۴ فوریه بحرین

محمد رضا حاتمی*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

علیرضا بیگی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق

چکیده

رسانه‌های ارتباط جمعی، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یا رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی نوین کشورهای جهان نقش فراوانی داشته‌اند. یکی از این کشورها مجمع‌الجزایر بحرین است که در سال ۲۰۱۱ تحت تأثیر فعالیت‌های جوانان در فضای اینترنت شاهد تظاهرات و جنبش‌هایی بوده است. جوانان بحرینی هم‌زمان با پیروزی انقلاب‌های تونس و مصر و تحولات لیبی، مردم را از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به جنبش دعوت کرده و از طریق آن نیز به هدایت جنبش می‌پرداختند اما در نهایت نتوانستند به پیشبرد موفقیت‌آمیز جنبش بپردازند. پژوهش حاضر در پی این است تا به روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی، ابتدا به توضیح نظریه «فضای دورگه» مطرح شده از سوی مانوئل کاستلز (Manuel Castells) بپردازد، سپس میزان تطبیق این نظریه با جنبش اخیر بحرین موسوم به «جنبش ۱۴ فوریه» را مورد ارزیابی قرار دهد. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه نظریه فضای دورگه کاستلز چیست و چگونه در جنبش ۱۴ فوریه بحرین کاربرد می‌یابد. سؤالات فرعی این مقاله نیز از این قرار است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی تا چه میزان در جنبش ۱۴ فوریه بحرین تأثیرگذار بوده‌اند؟ کدام یک از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نقش محوری در تحولات بحرین در سال ۲۰۱۱ داشته‌اند؟ چه عواملی موجب ناکامی و عدم پیروزی جنبش ۱۴ فوریه بحرین شده است؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که فضای دورگه که شامل شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و فضای عمومی و نمادین در جنبش‌ها است، نقش مهمی در جنبش ۱۴ فوریه بحرین داشته و به خوبی در آن کاربرد یافته است. نظام بحرین پس از اینکه متوجه شد فضای دورگه عامل پیشبرد جنبش ۱۴ فوریه بحرین است، با قطع مقطعی اینترنت و تخریب میدان لؤلؤ به عنوان فضای عمومی و نمادین جنبش، درصدد مهار فضای دورگه جهت سرکوب جنبش ۱۴ فوریه برآمد.

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، کاستلز، اینترنت، بحرین، جنبش ۱۴ فوریه، آل خلیفه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۸

آدرس نویسنده عهده‌دار مکاتبات: Hatami5@yahoo.com

مقدمه

احساس نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دینی، فرهنگی، قومی و جنسیتی در طول تاریخ موجب بروز جنبش‌هایی شده است. به لحاظ تاریخی، جنبش‌های اجتماعی گذشته به مکانیسم‌های ارتباطی خاصی متکی بودند همانند سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، دست‌نوشته‌ها، سخنرانی‌ها در قالب نوار، ارتباطات چهره به چهره یا به وسیله نمابر و مطبوعات یا هر وسیله ارتباطی دیگری که در دسترس بود. این در حالی است که امروزه ساختار ظاهری جنبش‌های اجتماعی دچار تغییرات چشمگیری شده است و فناوری و بسیاری از امکانات تازه ایجاد شده یا برخی از مکان‌هایی که به‌عنوان نماد انقلاب معرفی می‌شوند نقش قابل توجهی در پیشبرد جنبش‌ها دارند. در این پژوهش تلاش شده است تا دو مؤلفه نوین جنبش‌های اجتماعی که مانوئل کاستلز در کتاب خود با عنوان «شبکه‌های خشم و امید، جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت» بدان اشاره می‌کند مورد بررسی قرار گیرد. کاستلز از فضای اینترنت و شبکه ارتباطی بی‌سیم و همچنین فضای عمومی شهری سخن به میان می‌آورد. به نظر او، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به همراه فضاهای خاص شهری که به‌عنوان نماد انتخاب می‌شوند فضایی با عنوان «فضای دورگه» (hybrid space) تولید می‌کنند. به بیان دیگر، وی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و فضای عمومی شهری را در قالب فضای دورگه معرفی می‌کند و عامل تمایزبخش جنبش‌های اجتماعی نوین با جنبش‌های اجتماعی گذشته را برخورداری جنبش‌های اجتماعی نوین از فضای دورگه می‌داند. به باور کاستلز، در اختیار گرفتن فضای دورگه از سوی معترضان یا دولت مرکزی عامل تعیین‌کننده سرنوشت جنبش به شمار می‌رود. کاستلز پس از تبیین فضای دورگه، به بررسی کاربست این فضا در جنبش‌های معاصر جهان، از جمله در کشورهای جهان عرب می‌پردازد. وی تبیین می‌سازد که جوانان در اکثر کشورهای عربی از طریق شبکه‌های ارتباط جمعی اینترنتی مردم را به سوی مکانی خاص هدایت می‌کنند و آن را به‌عنوان نماد برمی‌گزینند. فضاهای نمادین شهری همچون میدان التحریر در قاهره، میدان اللؤلؤة (که به صورت اختصار به آن میدان لؤلؤ اطلاق می‌شود) در بحرین و غیره همگی در یکپارچه کردن مردم به سوی جنبش، قیام، انتفاضه یا انقلاب نقش مهمی داشته‌اند.

این پژوهش پس از توضیح فضای دورگه مطرح شده از سوی کاستلز، به بررسی این فضا در جنبش ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ بحرین می‌پردازد و علل نافرجامی جنبش ۱۴ فوریه در نیل به پیروزی را به وسیله فضای دورگه مورد مذاقه قرار می‌دهد. برای نیل به این مهم ابتدا به‌صورت جداگانه به تعریف کاستلز از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و فضای عمومی شهری در جنبش‌های اجتماعی پرداخته شده، سپس میزان کنش فضای دورگه، اینترنت و مکان نمادین در جنبش ۱۴ فوریه بحرین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

در این قسمت ابتدا به شرح و تبیین نظریه فضای دورگه مانوئل کاستلز و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن جهت بررسی شیوه کاربست این نظریه در جنبش ۱۴ فوریه پرداخته شده، سپس پیشینه مطالعاتی مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فضای دورگه

فضای دورگه بیان‌شده از سوی مانوئل کاستلز، از دو مؤلفه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و فضای عمومی شهری تشکیل شده است که به آنان پرداخته می‌شود:

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی

مانوئل کاستلز برای اینترنت و شبکه‌های فضای مجازی در پیشبرد روند جنبش‌های اجتماعی جهان امروز نقش قابل‌توجهی قائل است. از دید او، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی فضاهای خودمختاری هستند که به میزان قابل‌توجهی از کنترل حکومت‌ها و شرکت‌ها خارج است. افراد جامعه در فضای آزاد اینترنت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و به اشتراک دیدگاه‌های شخصی و اطلاعات خود می‌پردازند. در جهان امروز، اطلاعات و حوادث به صورت ویروسی و بسیار سریع از طریق اینترنت بدون سیم منتشر می‌شود. بسیاری از جنبش‌های اجتماعی نیز از طریق شبکه اینترنت آغاز شده و نتایج مختلف پیروزی، صلح، شکست و جنگ‌های داخلی را به همراه داشته‌اند. در دوران معاصر بسیاری از جنبش‌های جهان از ظرفیت فضای سایبر و ارتباطات اینترنتی بدون سیم بهره زیادی بردند، به گونه‌ای که در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ شبکه‌ای جهانی از جنبش‌های اشغال‌شده تحت عنوان «اتحاد برای تغییر جهان» (United for Global Change) با مطالبه عدالت اجتماعی و دموکراسی حقیقی، صدها هزار تن را در ۹۵۱ شهر و ۸۲ کشور از سراسر جهان بسیج کرد. (Castells, 2015: 3-4) این جنبش‌ها از ساختار سنتی گذشته خارج شده بودند و بدون اتکا و اعتنا به رسانه‌های مکتوب، احزاب سیاسی، رهبری و سازمان‌دهی رسمی و صوری و تنها با اتکا به ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی اینترنتی اهداف خود را دنبال می‌کردند.

کاستلز بیان می‌دارد که در سال‌های اخیر دگرگونی بنیادینی با عنوان «خود ارتباطی توده‌ای» (mass self-communication) در عرصه ارتباطات جهان رخ داده است. خود ارتباطی توده‌ای به معنی کاربرد اینترنت و شبکه‌های بی‌سیم به عنوان پایگاه‌های ارتباطی جهان است. خود ارتباطی توده‌ای مبتنی است بر شبکه‌های افقی ارتباط تعاملی که معمولاً به دشواری توسط حکومت‌ها و شرکت‌ها قابل‌کنترل است. خود ارتباطی توده‌ای جهت ساخت خودمختاری کنشگر اجتماعی، اعم از کنشگر فردی یا اجتماعی، در مقابل نهادهای جامعه پایگاهی تکنولوژیکی فراهم می‌کند. علاوه بر آن، نوعی ارتباط دیجیتال چندوجهی (multimodal) به شمار می‌رود. همه این امور موجبات

بیم حکومت‌ها از اینترنت را فراهم ساخته و سبب شده است تا شرکت‌ها نیز، ضمن بهره بردن از منافع اینترنت، بکوشند تا ظرفیت‌های گسترده آن را محدود کنند. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۴) شبکه‌های اجتماعی دیجیتال امکان ژرفاندیشی و هماهنگ‌سازی کنش را به صورت عمدتاً آزادانه و نامحدود فراهم می‌کند.

فضای عمومی

مانوئل کاستلز، پس از تأکید بر نقش قابل توجه اینترنت و شبکه‌های ارتباطی بی‌سیم، به فضای عمومی شهری جنبش‌های اجتماعی جهت پیشبرد اهداف خود اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که جنبش‌های اجتماعی برای ارتباط با تمام افراد جامعه، علاوه بر ارتباطات اینترنتی به فضای واقعی شهری نیز احتیاج دارند. منظور از فضای عمومی محیطی است که در آن به واسطه فرآیندهای ارتباطی‌ای که رخ می‌دهد، جنبش‌های اجتماعی به کل جامعه مرتبط می‌شود. فضای عمومی نهادی، که از لحاظ قانونی متعلق به یک نهاد یا ارگان خاص است، فضایی اختصاص‌یافته برای هم‌اندیشی است، اما نه هم‌اندیشی جنبش‌ها و طرفداران آنان، بلکه هم‌اندیشی نخبگان مسلط بر جامعه جهت نیل به منافع و اهداف خود. این در حالی است که جنبش‌های اجتماعی نیازمند ایجاد فضای عمومی جدیدی هستند که محدود به فضای اینترنت نبوده، بلکه خود را در مکان‌های زندگی اجتماعی رؤیت پذیر کند. این امر موجب شده است تا معمولاً جنبش‌های اجتماعی فضای شهری و ساختمان‌های نمادین را اشغال کنند (Castells: 2015: 10) که این امکان نیز به سه طریق نقشی مهم در تاریخ تغییر اجتماعی و همچنین روندهای اجتماعی ایفا می‌کنند که عبارت‌اند از:

تولید اجتماعی متحد

فضا در انقلاب برای ایجاد اجتماع ضروری است. اجتماع نیز نماد باهم بودن است. باهم بودن نیز سازوکار روان‌شناختی بنیادین جهت غلبه بر ترس است. ترس نیز مرز و آستانه‌ای برای افراد برای درگیر شدن در جنبش‌های اجتماعی است. کاستلز بر این باور است که عنصر فضا فارغ از این‌که در مکانی قوی یا ضعیف باشد، به نوعی وحدت فراسازمانی و غیریت‌سازی می‌انجامد و موجب می‌شود تا افراد بدون تأثیرپذیری از ایدئولوژی یا اعتقادی خاص و صرفاً به سبب اهدافی که دارند تولید اجتماع کرده و با غلبه بر ترس خود، از هنجارها و قوانین بوروکراتیک سرپیچی و اهداف خود را پیگیری کنند.

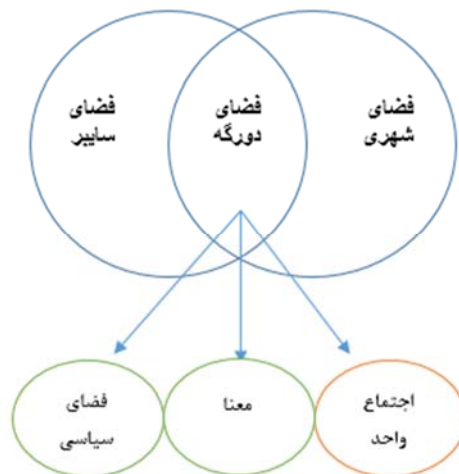
تولید معنا

به باور کاستلز، فضاهای اشغال‌شده توسط مردم بی‌معنا نیستند بلکه با تبدیل کردن مکانی خاص به نماد، مردم نوعی قدرت نمادین تولید می‌کنند. در حقیقت فضاهای اشغال‌شده توسط مردم در مقابل نهادهای قدرت دولت - اعم از نهادهای مالی، نظامی یا سیاسی - بار معنایی قدرتمندی می‌یابند. این فضاها ممکن است با مرتبط کردن مردم به تاریخ، خاطرات خیزش‌های مردمی

گذشته را زنده کنند. مردم با تصرف و نگه داشتن فضاهای اشغال شده امید دارند که بتوانند اماکن تصرف شده توسط دولت را باز پس گیرند، زیرا کنترل فضا نماد کنترل مردم است (Castells, 2015: 10-11).

تولید فضایی سیاسی

جنبش‌های اجتماعی با ساختن اجتماعی آزاد در مکانی نمادین، فضایی عمومی ایجاد می‌کنند که در حقیقت فضایی جهت هم‌اندیشی و طراحی استراتژی پیشبرد جنبش یا انقلاب است. به باور مانوئل کاستلز، فضای عمومی اشغال شده توسط شهروندان، پس از آنکه کارویژه هم‌اندیشی یافت، به فضایی سیاسی مبدل می‌شود. فضای سیاسی تولید شده نیز فضایی جهت ملاقات اعضای گروه‌های سیاسی می‌شود تا با کنش سیاسی مناسب خواسته‌های خود را مطالبه کرده و به حقوقی که تصور می‌کنند از آنان سلب شده دست یابند. او عنوان می‌دارد که در جوامع امروزی فضای عمومی جنبش‌های اجتماعی به صورت یک «فضای دورگه» میان شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و فضای شهری اشغال شده بنا می‌شود. این فضای دورگه فضای سایبری و فضای شهری را در تعاملی بی‌وقفه به هم متصل می‌کند و بدین ترتیب به لحاظ تکنولوژیکی و فرهنگی اجتماعی فوری برای کنش دگرگون‌کننده ایجاد می‌کند. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۹)



مطالعات پیشین

پژوهش‌های که پیرامون این موضوع انجام شده است، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، پژوهش‌هایی که نقش فضای دورگه کاستلز پیرامون انقلاب‌ها و جنبش‌های جهان را مورد بررسی

قرار می‌دهد. دسته دوم نیز پژوهش‌هایی است که نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و حتی رسانه‌های داخلی و خارجی را در جنبش ۱۴ فوریه بحرین مورد مذاقه قرار می‌دهد.

دسته اول

پژوهش‌های دسته اول به پیشینه کاربست نظریه فضای دورگه مانوئل کاستلز می‌پردازند. مانوئل کاستلز که خود در کتاب خوشه‌های خشم و امید، فضای دورگه را نسبت به جنبش‌های کشورهای تونس، ایسلند، آمریکا و مصر تطبیق داده است، به الگویی جهت بررسی دیگر جنبش‌ها تبدیل شده است. پژوهشگرانی که در ایران این الگو را مورد استفاده قرار داده‌اند، ناصر جمال‌زاده و محمد خواجه علی هستند. آنان در مقاله «تبیین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر اساس مدل قدرت شبکه‌ای مانوئل کاستلز»، الگوی مطرح‌شده از سوی کاستلز را با انقلاب اسلامی ایران تطبیق داده‌اند.

دسته دوم

عمده پژوهش‌هایی که در ذیل دسته دوم قرار می‌گیرند، پژوهش‌هایی هستند که نحوه بازتاب تحولات بحرین در سال ۲۰۱۱ را در رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مورد واکاوی قرار می‌دهند. مهم‌ترین پژوهش‌های فارسی‌زبان دسته دوم در جدول زیر بیان شده‌اند:

تاریخ نشر	نویسنده(گان)	عنوان مقاله
تابستان ۱۳۹۲	فاطمه محمدی زاده و عباس اسدی	نحوه بازتاب تحولات بحرین، یمن و سوریه در مطبوعات ایران
پاییزو زمستان ۱۳۹۱	حسن بشیر و محمدتقی تفرجی شیرازی	بازنمایی و مدیریت رسانه‌ای بحران در بحرین: تحلیل گفتمان نشریات عربی زبان کشورهای حاشیه خلیج فارس
تابستان ۱۳۹۲	علیرضا و نیک‌خواه ابیانه و محمدمهدی فرقانی	پوشش خبری رویدادهای دو کشور بحرین و سوریه در سایت فارسی شبکه العالم
بهار ۱۳۹۵	سعید سرابی و هادی بهجتی فرد	مقایسه گفتمان خبری سایت‌های فارسی‌زبان شبکه‌های العربیه و بی‌بی‌سی، مطالعه موردی اعتراضات عمومی در بحرین

همان‌گونه که مشخص است، این پژوهش‌ها به صورت کلی بازتاب تحولات مجمع‌الجزایر بحرین در سال ۲۰۱۱ میلادی در رسانه‌های مکتوب و سمعی - بصری را محور قرار می‌دهند، نه تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در شیوه شکل‌گیری و پیشبرد جنبش ۱۴ فوریه بحرین.

کاربست فضای دورگه در جنبش ۱۴ فوریه بحرین

جوانان همواره از طرفداران سرسخت شبکه‌های اجتماعی اینترنتی محسوب می‌شوند. جوانان بحرین نیز به سبب گشایشی که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در عرصه فناوری توسط نظام بحرین

ایجاد شده بود، در استفاده از فناوری، تکنولوژی و اینترنت مهارت ویژه‌ای داشتند. در حقیقت باید به این نکته توجه داشت که بحرین تا قبل از تحولات منطقه غرب آسیا در سال ۲۰۱۱ در رابطه با توان فناوری گوی سبقت را از دیگر کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس ربوده بود. علت آن نیز رفع همه موانع توسعه ارتباطات الکترونیکی توسط نظام جهت سهولت تبادلات بانکی و خدمات الکترونیکی بود. این امر موجب گردید تا بحرین در رابطه با فناوری ارتباطات، به‌ویژه نرم‌افزارهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، در میان کشورهای عربی جایگاه نخست را از آن خود کند. (حسین، ۲۰۱۵) توجه ویژه مردم بحرین به فناوری و شبکه‌های ارتباط جمعی به علت ساختار نوین اجتماعی این کشور است، زیرا نرخ سواد^۱ در این کشور ۹۷/۵ درصد است و جوانان این کشور از تحصیلات دانشگاهی بالایی برخوردارند. (IndexMundi, 2017)

تأثیر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی

تأثیر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی در بحرین از طریق سامانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی خاصی که توسط مردم این کشور استفاده می‌شود قابل تبیین است، لذا مهم‌ترین شبکه‌ها و سامانه‌های اینترنتی که در فضای دورگه جنبش ۱۴ فوریه بحرین نقش داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ملتقی البحرین یا بحرین أونلاین

اینترنت برای نخستین بار در دهه ۹۰ میلادی وارد بحرین شد و مستقیماً مورد استفاده فعالان سیاسی قرار گرفت. «خانه آزادی» (Freedom House) در گزارش خود با عنوان «آزادی برای اینترنت» بیان می‌دارد که در بحرین نخستین استفاده سیاسی از اینترنت در سال ۱۹۹۷ و برای ارسال اطلاعات به مخالفان نظام در خارج از کشور صورت پذیرفت. دومین استفاده سیاسی از اینترنت در سال ۲۰۰۱ و در رابطه با طرح میثاق العمل الوطنی^۲ صورت گرفت. زمانی که خیلی از افراد از اتاق‌های گفت‌وگو در اینترنت اطلاع نداشتند، سامانه «ملتقی البحرین یا بحرین أونلاین» ایجاد گردید و مردم به‌ویژه جوانان توانستند نقطه نظرات خود را در آن به اشتراک بگذارند. زمانی که نظام در سال ۲۰۰۲ به وعده‌های خود پشت کرد و از قانون اساسی جدیدی پرده برداشت، مردم در سامانه ملتقی البحرین اعتراضات خود را بیان داشتند که سبب فیلتر شدن آنان توسط نظام شد. در پی فیلتر شدن سامانه‌های گفت‌وگوی سیاسی همانند ملتقی البحرین، نظام در صدد بازداشت مؤسسان و مسئولان این سامانه‌ها برآمد، همانند زکریا العشیری، مسئول سامانه گفتگوی «الدير». وی توسط نظام بازداشت شد و تحت شکنجه‌های شدید نظام جان خود را از دست داد. پس از چندی، کمیته حقیقت‌یاب بسیونی گزارشی در مورد شکنجه‌های شدید و

۱. عبارت است از افراد بالای ۱۵ سال که توانایی خواندن و نوشتن دارند.

۲. منشور اقدام ملی

منشوری است که پس از به قدرت رسیدن حمد بن عیسی، پادشاه وقت بحرین، از سوی وی پیشنهاد شد تا بر طبق این منشور تغییراتی بنیادین در ساختار دولت و دستگاه‌های آن صورت گیرد.

مستمر زکریا العشیری و دیگر فعالین فضای مجازی منتشر ساخت (مرآة البحرین، ا ۲۰۱۲: ۲۰۲). به موجب این اقدام، مردم از طریق ملتقی البحرین در صدد راه اندازی یک رشته تحصن برای آزادی این افراد برآمدند. این امر سبب شد تا نظام سامانه ملتقی البحرین و چندین سامانه گفتگوی دیگر را که در جهان عرب بدان «منتدی» گفته می شود، فیلتر کند. علی رغم انتظار نظام بحرین، فیلتر کردن این سامانه های گفتگو نتیجه بخش نبود، زیرا جوانان از روش های مختلف برای ورود به سامانه های گفتگو استفاده می کردند و موفق نیز می شدند. پس از آن دولت بحرین قانونی متناسب با فیلتر سامانه های گفتگو سیاسی تدوین کرد و به تصویب رساند که بر طبق آن افرادی که خواستار ایجاد سامانه گفتگو بودند بایستی قبل از احداث آن از نظام اجازه بگیرند، در غیر این صورت سامانه آنان فیلتر می شد. (مرآة، ا ۲۰۱۲: ۲۰۳)

پس از سال ۲۰۱۱، استقبال از سامانه های گفتگو جهت ردوبدل اطلاعات بسیار بیشتر از شبکه های اجتماعی تلفن همراه همچون «واتس آپ» (WhatsApp) یا سامانه های پیام رسانی سیستم عامل های «آی او اس» (ios) یا «بلک بری» (blackberry) بود، زیرا بنا بر باور جوانان بحرینی، سامانه های گفتگو «فیس بوک» (facebook) و «توییتر» (twitter) بسیار ایمن تر از سامانه های پیام رسانی تلفن های همراه است. ترس از شبکه های پیام رسانی تلفن های همراه، به سبب آن نبود که اطلاعات ردوبدل شده توسط سازندگان این سامانه ها و رسانه های اجتماعی تحت مراقبت است، بلکه به این علت بود که این سامانه ها بر روی تلفن همراه نصب است و تلفن همراه هر لحظه ممکن است از سوی نیروهای امنیتی مصادره شود. اگر دادگاه به پیام یا صدا یا تصویری در مورد حوادث بحرین در تلفن های همراه متهمان دست می یافت، آن را به مثابه توطئه علیه امنیت ملی به شمار می آورد و حکم مربوط به تلاش و اقدام جهت سرنگونی نظام را برای افراد صادر می کرد، کما این که برای بسیاری از افراد صادر کرده بود. (مرآة البحرین، ب ۲۰۱۲: ۱۹۸-۲۰۱)

بحرین از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۴ برای سه سال متوالی از سوی سازمان خانه آزادی جزء کشورهای بسته رسانه ای به شمار رفت و از آن با عنوان «دشمن اینترنت» یاد شد. این کشور در سال ۲۰۱۴ رتبه ۱۸۸ را در بین کشورهای آزاد رسانه ای از سوی این سازمان کسب کرد. (المسقطی، ۲۰۱۴/۱/۲۵؛ سلمان، ۲۰۱۷: ۱۱۴-۱۱۵) دولت بحرین در طول جنبش ۱۴ فوریه برای بسیاری از خبرنگاران رسانه های خارجی همچون لس آنجلس تایمز، نیویورک تایمز، رادیو بی بی سی، وال استریت جورنال، کریستین ساینس مانیتور، و شبکه الجزیره روایت و رویداد به کشور صادر نکرد. حکومت بحرین در تعامل با خبرنگاران داخلی نیز شیوه متفاوتی را در پیش گرفت و به ضرب و شتم آنان پرداخت و برخی از آنان را نیز همانند احمد اسماعیل هدف گلوله قرار داد. این نمونه از رفتار نظام بحرین با صاحبان رسانه های داخلی و خارجی موجب سقوط شدید

جایگاه این کشور در میان کشورهای دارای آزادی رسانه گردید (مرآة البحرين، ۲۰۱۳: ۲۸-۲۹).

فیس بوک و توییت

استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همچون فیس‌بوک و توییت در امور سیاسی در دوران معاصر در میان جوانان کشورهای عربی رواج بسیار یافته است. در میان مردم مصر در رابطه با تأثیر فیس‌بوک در سرنگونی نظام مبارک لطیفه‌ای وجود دارد که می‌گوید: حسنی مبارک وقتی که بمیرد به دیدار انور سادات و جمال عبدالناصر می‌رود. آن دو از وی خواهند پرسید: چگونه مردی؟ با زهر یا با گلوله؟ حسنی مبارک پاسخ خواهد داد با فیس‌بوک. (مرآة البحرين، ج ۲۰۱۲: ۴۲۰) این لطیفه نشان‌دهنده میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در حوادث سیاسی کشورهای عربی است که در دوران معاصر به بحرین نیز ورود یافت. برخی رسانه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییت در همان روزهای نخست جنبش ۱۴ فوریه بحرین نقش ویژه‌ای ایفا کردند. نقش شبکه‌های اجتماعی مذکور به اندازه‌ای زیاد بود که برخی کارشناسان معتقدند که جنبش ۱۴ فوریه مردم بحرین از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی شروع شد و اخبار وقایع آن از طریق همین شبکه‌ها نیز انتشار یافت. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

در سال ۲۰۱۱، در بحرین دو عرصه پیکار به وجود آمد: عرصه میدانی و عرصه مجازی. در عرصه میدانی همه مردم شرکت داشتند و هرکس به نوعی به ایفای نقش می‌پرداخت. در عرصه فضای مجازی نیز هر کس که احساس می‌کرد می‌تواند تأثیرگذار باشد حضور می‌یافت. عرصه فضای مجازی در یک برهه زمانی از تحولات ۲۰۱۱ به اندازه‌ای به آل خلیفه فشار آورده بود که وزیر ارتباطات بحرین به شکست توییت‌ری طرفداران نظام در مقابل مخالفان نظام اعتراف کرد. وی گفت: «مخالفان نظام شبانه‌روز در توییت فعال هستند درحالی‌که ساعت کاری ما در شب به پایان می‌رسد.» (مرآة البحرين، د ۲۰۱۲: ۲۰۸)

نبیل رجب، حقوقدان و رئیس مرکز حقوق بشر بحرین، از سال ۲۰۰۹ در توییت حضور دارد و روزانه ساعاتی را برای این کار اختصاص می‌دهد. ۸۶ هزار نفر از تمام دنیا توییت‌های وی را دنبال می‌کنند. وی برای اینکه مردم را به سمت فیس‌بوک و توییت متوجه سازد، اخبار و تحلیل‌های خود از حوادث بحرین را تنها در فیس‌بوک و توییت به اشتراک می‌گذاشت. وی در این باره بیان عنوان داشته بود: «همه اخبار سریع و مهم را در توییت به اشتراک می‌گذارم تا مردم بدانند که من فقط اخبار را در آنجا به اشتراک می‌گذارم.» نبیل رجب همواره تلاش می‌کرد تا تمام خانواده‌های بحرینی مطالبه‌گر، به توییت بیوندند. بنا بر گفته شخص وی، نیروهای نظام از جمله اطلاعات، وزارت کشور و ارتش، فعالیت وی در توییت را دنبال می‌کردند و هر موقع که او از وضعیت وخیم زندانیان صحبت به میان می‌آورد، عده‌ای از آن زندانیان آزاد می‌شدند. (رجب، ۲۰۱۲: ۲۱۳) فعالیت کارآمد نبیل رجب در فضای مجازی، به ویژه در توییت، موجب شد تا برخی

از وابستگان نظام او را تهدید به قتل کنند. به گفته زینب الخواجه، حقوق‌دان و فعال حقوق بشر بحرین، نظام آل خلیفه از توییت‌ر بیم دارد.

جنبش ۱۴ فوریه و فضای دورگه کاستلز

قبل از آغاز انقلاب تونس، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۰، بیش از ۲۰ نفر از نخبگان سیاسی بحرین در شهر کربلای عراق گرد هم آمدند و پیرامون وضعیت نامساعد سیاسی و اجتماعی بحرین و ساختار سیاسی حاکم در این کشور به گفت‌وگو پرداختند. در این جلسه که از گروه‌ها و نیروهای سیاسی گوناگون شیعه شرکت کرده بودند، بر لزوم اعتراضات مردمی به ساختار نامساعد سیاسی کشور تأکید شد. (الصالح، مصاحبه: ۱۳/۷/۱۳۹۶) یکی از جوانان حاضر در فضای ملتقی البحرین، روز ۱۴ فوریه مصادف با تصویب منشور اقدام ملی را به‌عنوان روز گردهمایی و تظاهرات مردم پیشنهاد کرد. این پیشنهاد در ملتقی البحرین از سوی اکثریت مردم پذیرفته شد. درنهایت نیز تعدادی از جوانان ناشناس با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همچون فیس‌بوک و توییت‌ر و سامانه‌های الکترونیکی گفت‌وگو مانند ملتقی البحرین و حتی از طریق رایانامه مردم را به اعتراضات روز دوشنبه ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ دعوت کردند. (الراشد، مصاحبه: ۱۵/۶/۱۳۹۶؛ الصالح، مصاحبه: ۱۳/۷/۱۳۹۶؛ العکری، ۲۰۱۲: ۷؛ رساله القلم، ۲۰۱۴: ۴۶) درواقع باید بیان کرد که جنبش ۱۴ فوریه توسط رهبران نیروهای سیاسی آغاز نشد، بلکه توسط جوانانی غیرسیاسی و بدون گرایش به گروه خاصی آغاز و هدایت شد. (السندی، ۱۳۹۶: ۴۰؛ حسین، ۱۳۹۵: ۱۹، ماحوزی، ۱۳۹۳: ۲۰۵؛ جمعیه الوفاق الوطنی الإسلامیة، بی‌تا: ۷-۸)

البته فضای مجازی و اینترنت در گذشته همانند نیرویی نامرئی زمینه‌های لازم این حضور مردم را فراهم آورده بود. توماس فریدمن (Thomas Friedman) طی یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز عنوان داشت که «نیرویی نامرئی» در بحرین به اعتراضات و تظاهرات بحرین دامن زد و آن برنامه «گوگل ارث» (Google Earth) بود. جوانان ناشناس بحرینی مخالف نظام یک حساب اینترنتی در برنامه گوگل ارث ایجاد کردند و از طریق آن حقایق در حال جریان در بحرین را انعکاس می‌دادند. (Friedman, The New York Times: 2011) آنان از طریق برنامه گوگل ارث از زمین‌ها و سواحل تصاحب‌شده توسط نظام تصویربرداری کرده و آن‌ها را در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی منتشر می‌کردند تا بدین صورت بیش‌ازپیش خشم مردم را برانگیزند. این جوانان ناشناس که بعدها گروهی سیاسی با عنوان «ائتلاف شباب ثورة ۱۴ فبرایر» تشکیل دادند، پس از آگاه‌سازی مردم از فسادهای سیاسی و اقتصادی که در بحرین در حال رخداد است، آنان را از طریق رسانه‌های اجتماعی به حضور در میدان لؤلؤ در روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، موسوم به روز خشم، دعوت کردند.

۱۴ فوریه

انتخاب میدان لؤلؤ به عنوان مکانی نمادین جهت گردهمایی از سوی جوانان ناشناس و مستقل صورت پذیرفت و موجب شد تا گروه‌ها و جریان‌های سیاسی دعوت آنان را بپذیرند و در این گردهمایی شرکت کنند. (مرآة البحرين، ی ۲۰۱۳: ۲۳؛ جمعیه الوفاق الوطنی الإسلامية، بی تا: ۸) اولین گروهی که دعوت این جوانان ناشناس را پذیرفت و در روز ۱۴ فوریه به راهپیمایی برخاست، وفاء اسلامی به رهبری فردی به نام «استاد عبدالوهاب حسین» بود. او اولین تظاهرات را در ساعت ۵:۳۰ صبح و از روستای النویدرات آغاز کرد که صدها نفر در آن شرکت کردند. در این روز نزدیک به ۶۰۰۰ نفر از جای‌جای بحرین در تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی حضور یافتند. (مرزوق، ۲۰۱۲: ۱۹۱) این هماهنگی به وسیله جوانان و از طریق رسانه‌های اجتماعی فیس‌بوک، توییتر و سامانه‌های گفت‌وگوی عربی همچون ملتقی البحرین صورت پذیرفت. (الجزیره، أ ۲۰۱۱/۲/۱۵) این اقدام جوانان موجبات نگرانی و خشم نظام را بیش از پیش فراهم ساخت، به اندازه‌ای که حکومت بحرین در صبح آن روز ابتدا سرعت اینترنت را کاهش داد تا شهروندان نتوانند فیلم‌های مربوط به حوادث بحرین را در اینترنت بارگذاری یا از آن دانلود کنند. پس از چندی متوجه شد که کم کردن سرعت اینترنت کارساز نیست، لذا به‌طور کامل اینترنت را قطع کرد. (مرزوق، ۲۰۱۲: ۱۹۲؛ مرآة البحرين، ب ۲۰۱۲: ۲۲۶) با وجود اینکه اینترنت از سوی نظام حاکم قطع شد، مردم بحرین در فضای نمادینی که جوانان دعوت کرده بودند حضور یافتند و شعار «الشعب یرید إصلاح النظام» (مردم خواهان اصلاح نظام هستند) سر دادند. تجمع مردم در میدان لؤلؤ با سرکوب گسترده نیروهای نظامی آل خلیفه مواجه شد. نیروهای نظامی آل خلیفه با یورش به میدان لؤلؤ و شلیک گاز اشک‌آور در صدد پراکنده ساختن تجمعات مردمی بودند. در پی تظاهرات مردمی در نهایت درگیری‌هایی میان جوانان و نیروهای امنیتی این کشور به وجود آمد که منجر به زخمی شدن نزدیک به ۲۱ جوان و تعدادی زن شد. در عصر همان روز جوانی به نام «علی عبدالهادی مشیمع» مورد اصابت گلوله نیروهای امنیتی قرار گرفته و بر اثر شدت جراحت کشته شد. (الجزیره، ۲۰۱۱/۲/۱۵) دولت پس از کشته شدن اولین شهروند بحرینی بیان داشت که گروهی متشکل از ۵۰۰ تظاهرات کننده با سنگ به سوی نیروهای امنیتی هجوم بردند و نیروهای امنیتی نیز برای دفاع از خود ناگزیر به شلیک گلوله‌های شکاری شدند. این ادعای نظام در حالی است که شاهدان حاضر در تظاهرات حمله جوانان و مردم به نیروهای امنیتی را انکار می‌کنند. (Bassiouni, 2011: 69)

۱۵ فوریه

پس از کشته شدن علی مشیمع، ۲۰۰۰ نفر از مردم بحرین برای تشییع جنازه او راهی بیمارستان منامه پایتخت بحرین شدند. در جریان تشییع جنازه نیز بار دیگر میان نیروهای امنیتی و مردم درگیری به وجود آمد که در پی آن جوان دیگری به نام «فاضل المتروک» مورد اصابت گلوله شکاری نیروهای امنیتی قرار گرفت و یک ساعت بعد کشته شد. دولت بحرین ادعا می‌کرد که نیروهای امنیتی در این درگیری ابتدا از گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور استفاده کردند اما زمانی که نتوانستند تشییع‌کنندگان را پراکنده کنند مجبور به استفاده از گلوله‌های شکاری شدند. این ادعا در حالی است که مردم حاضر در صحنه مدعی شدند که فاضل المتروک در حال کمک به تشییع‌کنندگانی بود که در اثر گاز اشک‌آور دچار خفگی شده بودند اما نیروهای امنیتی در همان حال او را مورد هدف گلوله قرار دادند. پس از کشته شدن نفر دوم، مردم حوالی ساعت ۳ بعدازظهر به سوی میدان لؤلؤ رفتند و نزدیک به چند ده هزار نفر تا در آنجا خیمه زده و در آنجا تحصن کردند. (lackman, The New York Times: 2011)

۱۷ فوریه

روز ۱۷ فوریه یکی دیگر از روزهایی است که مردم با هماهنگی از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به سمت مکان نمادین جنبش یعنی میدان لؤلؤ هدایت شدند. در آن روز جمعیت‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی بحرین و سازمان‌های حقوق بشری در کنار برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی در آنجا حضور داشتند. آنان نزدیک به ۳۰۰ چادر در میدان نصب کردند. بزرگ‌ترین خیمه‌های که در آنجا نصب شد مربوط به گروه‌های سیاسی معارض همچون جمعیه الوفاق الوطنی الإسلامية،^۳ تیار الوفاء الإسلامی،^۴ الأمل،^۵ الحق^۶ و التحالف الیمقراطی^۷ بود. آنان خیمه گفت‌وگوی سیاسی را تشکیل دادند که در آن نشست‌های شبانه در مورد موضوعات سیاسی و حقوقی برگزار می‌شد. (العکری، ۲۰۱۲: ۸) آنان فضای عمومی میدان لؤلؤ را به فضایی سیاسی تبدیل ساخته بودند و به هم‌اندیشی در رابطه با جنبش می‌پرداختند. در این فضای سیاسی نمایندگان سیاسی، ستارگان ورزش و سینما، دانشگاہیان، هنرمندان و دیگر طبقات جامعه گردآمده بودند و در رابطه با استراتژی پیشبرد جنبش به بحث می‌پرداختند. نظام آل خلیفه نیز زمانی که از نقش بسیار مهم شبکه‌های اجتماعی در اجتماع معترضان آگاه شد، برای آگاهی از

۳. جمعیت اسلامی اقدام ملی

۴. جریان وفاء اسلامی

۵. جمعیت اقدام اسلامی

۶. جنبش آزادی‌های و دموکراسی

۷. هم‌پیمانی دموکراتیک

برنامه‌های آتی آنان و برنامه‌ریزی برای مقابله با راهبرد آنان، کوشید تا از ظرفیت‌های این فضا جهت آگاهی از تحولات داخلی بهره برد. (Owen Jones, 2013: 71)

نظام آل خلیفه همواره تلاش داشت تا یا با قطع اینترنت یا با مصادره لوازم ارتباط جمعی و هر آنچه امکان مخابره اطلاعات داشته باشد، همانند تلفن همراه، دوربین‌های فیلم‌برداری و عکس‌برداری، رایانه‌های همراه و غیره، معترضان را با کمبود امکانات در مخابره اطلاعات مواجه کند. (حسین، ۱۳۹۵: ۲۴؛ المقداد، ۱۳۹۵: ۱۱۴؛ المحروس، ۱۳۹۵: ۲۶۹؛ الخواجه، ۱۳۹۵: ۳۲۹ و ۳۴۸ و ۳۵۹) حکومت بحرین برای این‌که بتواند کارآمدی معترضان در عرصه فضای مجازی را کاهش دهد، چندین فعال توییتری را به بهانه اهانت به پادشاه بحرین بازداشت کرد. (مرکز الخليج لسیاسات التتمیة، ۲۰۱۴: ۷۹) این اقدام آل خلیفه با هدف ایجاد ترس میان استفاده‌کنندگان رسانه‌های اجتماعی علیه نظام، در پی سیاست «ترس از توییتر» بود، اما در عرصه واقعیت تأثیری نداشت. فضای دورگه کاستلز که توسط معترضان و از طریق رسانه‌های اجتماعی و فضای نمادین میدان لؤلؤ به وجود آمده بود برای نظام آل خلیفه قابل تحمل نبود زیرا که عنصر یادآوری خاطرات جنبش‌های گذشته توسط مردم موجب افزایش همگرایی آنان و تشکیل اجماع و اتحادی فراسازمانی، فرادینی و فراقومی شده بود. نظام بحرین که نتوانسته بود به مقابله با فضای دورگه به وجود آمده در بحرین بپردازد، ساعت سه صبح روز پنجشنبه ۱۷ فوریه که به «خمیس الدم»^۸ شهرت دارد، نیروهای امنیتی و ارتش را به سوی میدان لؤلؤ فرستاد. نیروهای نظامی به میدان لؤلؤ یورش بردند تا هزاران بحرینی را که از دو روز قبل در آنجا تحصن کرده بودند از آنجا خارج کنند. پیش از سپیده‌دم، نیروهای امنیتی با شلیک گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور و باطوم به چادرها و ۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ انسانی که در آنجا خوابیده بودند هجوم بردند. در پی این هجوم ۴ نفر کشته و ۲۳۱ نفر مجروح و ۶۰ نفر ناپدید شدند. (الجزیره، ب ۲۰۱۱/۲/۱۷)

۱۸ مارس

دو روز پس از حمله به میدان لؤلؤ و پاک‌سازی آن از حضور مخالفان، نظام بحرین در یک عملیات بسیار سریع به تخریب میدان لؤلؤ پرداخت و آن را به چهارراه تبدیل کرد. نظام در توجیه این اقدام خود، علت را وجود ترافیک سنگین در این منطقه بیان کرد و عنوان داشت که دولت با تبدیل میدان به چهارراه درصد حل ترافیک این مسیر بوده است. این در حالی است که آن منطقه هیچ‌گاه شاهد ترافیک نبوده است و از زمانی که به چهارراه تبدیل شد، از سوی نیروهای امنیتی محاصره شد. (مرآة البحرین، ز ۲۰۱۲: ۲۴)

خاندان حاکم در بحرین به خطر سرنگونی حکومتشان پی بردند و متوجه شدند که در صورت اندک اهمالی در سرکوب جنبش یا هر آنچه آن را تسهیل می‌بخشد بحرین همانند تونس و مصر

لیبی شاهد انقلاب خواهد بود؛ بنابراین، بی‌درنگ به سرکوب مردم پرداخت و مساجد و حتی میدان لؤلؤ به‌عنوان نماد و پایگاهی برای تجمع مردم در راستای اتحاد جهت پیشبرد جنبش را نیز ویران ساخت. آل خلیفه می‌دانست که اگر میدان لؤلؤ را ویران نسازد، آنجا نیز همانند میدان التحریر قاهره صادرکننده انقلاب خواهد شد. (دیفیدسون، ۲۰۱۴: ۳۵۷)

پس از تخریب میدان لؤلؤ به‌عنوان نماد جنبش ۱۴ فوریه، کسی اجازه ورود به محوطه آن را پیدا نکرد. تخریب میدان لؤلؤ به‌مثابه پیروزی بزرگی برای نظام و شکست سنگین برای مردم به شمار می‌رفت، زیرا مردم عملاً مکان نمادینی را که در آن جمع می‌شدند از دست داده بودند و این موجب تضعیف روحیه آنان شد. این امر به اندازه‌ای برای مردم بحرین غیرقابل‌تصور بود که بسیاری از آنان در مصاحبه‌ای که با خبرنگار شبکه الجزیره انجام دادند میدان لؤلؤ را نماد پیروزی خود می‌دانستند که پس از تخریب آن توسط نظام همواره آن را در خواب و رؤیا تصور می‌کنند. در خواب دیدن میدان لؤلؤ توسط برخی از شهروندان بحرینی نشان‌دهنده عمق الفت آنان با این مکان نمادین است. نمادی جهت تحقق آرمان‌ها و آرزوهایشان. خالد بن احمد آل خلیفه، وزیر امور خارجه بحرین، پس از تخریب میدان لؤلؤ عنوان داشت که میدان به سبب این‌که یادآور خاطره ناخوش تحولات بحرین در طول ماه‌های فوریه و مارس بود تخریب شد. پس‌از آن میدان لؤلؤ از عرصه جغرافیا خارج شده و به جرگه تاریخ و رؤیا پیوست. (مرآة البحرین، ۲۰۱۳: ۲۳)

با وجود اینکه تخریب میدان لؤلؤ ضربه روحی سنگینی به معترضان و مخالفان نظام وارد کرده و فعالیت میدانی و حضور در مکانی واحد جهت هماهنگی و وحدت را برای آنان محدود کرد، مقاومت مردمی بحرین روش تازه‌ای برای نشان دادن اعتراض و سردادن فریاد مطالبه‌خواهی خود در پیش گرفت. مردم در اقدامی تازه شبانه به پشت‌بام منازل خود رفته و تکبیر سر می‌دادند. علاوه بر آن، جوانان نیز با اتومبیل در خیابان‌ها حاضر می‌شدند و به‌صورت هماهنگ با بوق اتومبیل اعتراض خود را به گوش مردم و نظام می‌رساندند. این اقدام جوانان در بحرین به بوق «تن تن تن» معروف است. این لحن از بوق زدن که نماد سقف مطالبات جوانان، یعنی اسقاط نظام بود، به‌گونه‌ای نواخته می‌شد تا با شنیدن آن، شعار «یسقط حمد» در ذهن‌ها تداعی گردد. درواقع لحن بوق «تن تن تن» متناسب با شعار «yas-qot-hamad» نواخته می‌شد. این اقدام جوانان از سطح بوق زدن توسط اتومبیل فراتر رفت و آنان برای فراگیر شدن این پدیده از شیپورهای پلاستیکی قابل‌حمل، که معمولاً توسط هواداران تیم‌های فوتبال به کار گرفته می‌شود، استفاده کردند. (مرآة البحرین، ح ۲۰۱۲: ۴۲۹-۴۳۰)

نتیجه‌گیری

جنبش ۱۴ فوریه بحرین در سال ۲۰۱۱ میلادی با دعوت جوانانی ناشناس و از طریق اینترنت و ابزارهای ارتباطی نوین، به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی، آغاز شد. جوانان بحرینی توانستند با استفاده از ظرفیت اینترنت و فضای سایبری در جنبش ۱۴ فوریه، مردم معترض به حکومت را در مکانی نمادین گردآورند و سپس، با غیریت‌سازی و ایجاد وحدت فرا سازمانی جهت غلبه بر ترس احتمالی مردم، اجتماعی متحد تولید کنند. آنان توانستند با یادآوری خاطرات جنبش‌های گذشته و برجسته‌سازی مطالبات ملی و به حاشیه راندن اختلافات قومی و مذهبی تولید معنا کنند. این افراد با استفاده از ظرفیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس‌بوک و توییتر و سامانه‌های گفت‌وگوی عربی همچون بحرین أونلاین یا ملتقی البحرین، میدان لؤلؤ را به‌عنوان مکان نمادین جنبش جهت برگزاری گردهمایی، هم‌اندیشی، تحصن‌های گروهی و جلسات پرسش و پاسخ تبدیل کردند. این امر سبب گردید تا میدان لؤلؤ سومین نقش فضای دورگه کاستلز، یعنی تولید فضای سیاسی، را هم ایفا کند، زیرا این میدان، به‌عنوان نماد جنبش ۱۴ فوریه، به جایگاه آمدورفت گروه‌ها، جمعیت‌ها و نیروهای سیاسی جهت سخن گفتن با مردم و قرائت بیانیه‌های سیاسی تبدیل شد. میدان لؤلؤ، که نام حقیقی آن از زمان تأسیس، میدان «شورای همکاری خلیج» نام دارد، در متحد ساختن مردم در مقابل ساختار سیاسی حاکم در بحرین کارآمد بود. این کارآمدی نیز سبب شد تا حکومت بحرین میدان لؤلؤ را نخستین تهدید ثبات‌زدای خود دانسته و در صدد مهار آن برآید.

تخریب میدان لؤلؤ موجب بروز حس شکست و سرخوردگی در مردم بحرین گردید. حکومت بحرین نیز خود را در اهداف کوتاه‌مدت کامیاب دید اما آنچه در آینده رخ داد برخلاف انتظار ساختار سیاسی حاکم در بحرین بود، زیرا اگرچه سازه میدان لؤلؤ با تصمیم کاخ الصافی^۹ ویران شد، اما پس از آن صدها و بلکه هزاران میدان لؤلؤ بر درودیوار سازه‌های روستایی و شهری بحرین نقش‌بست. احیای نماد میدان لؤلؤ در قالب‌های طراحی و نقاشی بر پیکره دیوار خانه‌های شهری و روستایی فرتر رفته و در عرصه هنر و رسانه نیز ورود یافت. میدان لؤلؤ پس از برچیده شدن از سطح زمین خاکی منامه، در بسیاری از طراحی‌های گرافیکی شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی دوباره احیاء شد. در پایان نیز باید به این حقیقت اذعان داشت که حکومت بحرین، اگرچه با تخریب میدان لؤلؤ به صورت ناخودآگاه در صدد مهار فضای دورگه مانوئل کاستلز در جنبش ۱۴ فوریه بود، با این اقدام موجب شد تا مقوله معنا بخشی و ارتباط مردم با تاریخ و خاطرات در این جنبش تقویت شود و برای همیشه در اذهان بحرینی‌ها باقی بماند و زمینه‌ساز جنبش‌های آتی شود. در جنبش‌های آتی نیز نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی از

طریق تلفن‌های همراه افزایش خواهد یافت، زیرا مردم بحرین پس از جنبش ۱۴ فوریه با ظرفیت‌های اینترنت و تلفن‌های همراه آشنا شده و بیش از گذشته به تلفن‌های همراه هوشمند روی آورده‌اند، به گونه‌ای که پس از سال ۲۰۱۱ میزان واردات تجهیزات ارتباطی بی‌سیم و باسیم بیش از ۲۰۰ درصد افزایش یافت و تعداد دارندگان خطوط ارتباطی نیز به بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسید. این در حالی است که تعداد کل جمعیت بحرین کمتر از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است.

کتاب‌نامه

الف - کتب

۱. السندی، سید مرتضی، ۱۳۹۶، رنج و امید، تجربه‌ای واقعی از در زندان‌های آل خلیفه، ترجمه و تدوین علیرضا بیگی، قم: نشر شهید کاظمی، چاپ اول.
۲. الخواجه، صلاح، ۱۳۹۵، در کتاب گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، نوشته‌شده توسط جمعی از نویسندگان، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، قم: نشر شهید کاظمی، چاپ اول.
۳. المحروس، میرزا، ۱۳۹۵، در کتاب گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، نوشته‌شده توسط جمعی از نویسندگان، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، قم: نشر شهید کاظمی، چاپ اول.
۴. المقداد، محمد الحیب، ۱۳۹۵، در کتاب گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، نوشته‌شده توسط جمعی از نویسندگان، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، قم: نشر شهید کاظمی، چاپ اول.
۵. حسین، عبدالوهاب، ۱۳۹۵، در کتاب گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، نوشته‌شده توسط جمعی از نویسندگان، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، قم: نشر شهید کاظمی، چاپ اول.
۶. کاستلز، مانوئل، ۱۳۹۴، شبکه‌های خشم و امید، جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت، ترجمه مجتبی قلی پور، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.

ب - مقالات

۷. ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۰)، «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر انقلاب‌های عربی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۱۱۱ تا ۱۳۴.

ج - مصاحبه

۸. الدقاق، عبدالله، (۱۳۹۶/۴/۲)، «تاریخ شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در بحرین»، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.

۹. الراشد، راشد، (۱۳۹۶/۶/۱۵)، «نقش تيار العمل الإسلامی در جنبش ۱۴ فوریه بحرین»، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
۱۰. الستری، صادق، (۱۳۹۶/۷/۲۰)، «نقش ائتلاف شباب ثورة ۱۴ فبرایر در جنبش ۱۴ فوریه بحرین»، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
۱۱. السندي، سيد مرتضى، (۱۳۹۶/۵/۷)، «نقش تيار الوفاء الإسلامی در جنبش ۱۴ فوریه بحرین»، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
۱۲. الصالح، عبدالله، (۱۳۹۶/۷/۱۳)، «نقش جمعية العمل الإسلامی در جنبش ۱۴ فوریه بحرین»، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.

د- عربی

۱۳. العکری، عبدالنبي. (۲۰۱۲). البحرین، دور الحركة الإسلامیة فی انتفاضة ۱۴ فبرایر، مرکز البحرین للدراسات، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۲.
۱۴. المرشد، عباس. (۲۰۱۴). جدار الصمت: انهيار السلطوية، مدخل توثیقی لثورة ۱۴ فبرایر البحرینیة، مرکز أوال الدراسات و التوثیق.
۱۵. بی‌نا. (۲۰۱۶). اضطهاد المواطنين الشيعة فی البحرین، المؤتمر الدولي حول اضطهاد الشيعة فی البحرین، ۲۳ آوریل بروکسل.
۱۶. مرکز الخلیج لسیاسات التنمية. (۲۰۱۴). الثابت و المتحول، الخلیج بین الشقاق المجتمعی و ترابط المال و السلطة، مرکز الخلیج لسیاسات التنمية.
۱۷. رساله القلم. (ب ۲۰۱۴). عطاء و مسیره جهاد، ترجمه مختصرة لسماحة آیت الله الشیخ عیسی قاسم، رساله القلم، اسلامیه ثقافیة شاملة، عدد الخاص، حول القائد آیت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲ هـ، ۲۰۱۴ فبرایر، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامیة فی ایران، ص ۳۸ الى ۴۹.
۱۸. مرآة البحرین. (۲۰۱۳). ربيع البحرین، حصاد الساحات ۲۰۱۲، الطبعة الأولى، مرآة البحرین، بیروت، ص ۲۸ تا ۳۳.
۱۹. مرآة البحرین. (أ ۲۰۱۲). الإعلام السیاسی فی البحرین: من «الجداریات» و المنشورات الى المنتديات، ربيع البحرین، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، مايو ۲۰۱۲، مرآة البحرین، ص ۱۹۷ تا ۲۰۳.
۲۰. مرآة البحرین. (ب ۲۰۱۲). إنترنت يعمل الى حد ما، ربيع البحرین، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرین، ص ۲۲۵ تا ۲۲۹.
۲۱. مرآة البحرین. (ج ۲۰۱۲). «شحوال» و «الأباتشی» و «كابتن الطائرة العمودیة»، كومیدیا ۱۴ فبرایر السوداء، ربيع البحرین، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرین، ص ۴۱۹ تا ۴۲۴.

۲۲. مرآة البحرين. (د ۲۰۱۲). الإعلاميون و النشطاء و السياسيون و الوزراء الى فضاء تويتر، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرين، ص ۲۰۵ تا ۲۰۹.
۲۳. مرآة البحرين. (ه ۲۰۱۲). دبلوماسی بحرینی فی مکان تحت الشمس كلفة البوح الصعب: غردت فأسمعت فسجنت، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرين، ص ۳۴۹ تا ۳۵۳.
۲۴. مرآة البحرين. (و ۲۰۱۲). مختبر الميدان، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرين، ص ۴۷ تا ۵۵.
۲۵. مرآة البحرين. (ز ۲۰۱۲). ۱۴ فبراير، محطات لاتزال مفتوحة، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرين، ص ۱۷ تا ۲۵.
۲۶. مرآة البحرين. (ح ۲۰۱۲). «تن تن تن» ماركة ۱۴ فبراير المسجلة: قل للطاغية إنهم يغنون أيضا، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، يوليو ۲۰۱۲، مرآة البحرين، ص ۴۲۷ تا ۴۳۱.
۲۷. جمعية الوفاق الوطني الإسلامية. (بی تا). «سین جیم»، الثورة السلمية في البحرين، جمعية الوفاق الوطني الإسلامية، المركز الإعلامي.
۲۸. ديفيدسون، كريستوفر. (۲۰۱۴). ما بعد الشيوخ، الانهيار المقبل للممالك الخليج، الطبعة الاولى، بيروت، مركز أوال للدراسات و التوثيق.
۲۹. رجب، نبيل. (۲۰۱۲). تويتر فضاء الربيع العربي، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، مرآة البحرين، ۲۱۱ تا ۲۱۵.
۳۰. سلمان، علی. (۲۰۱۷). مرافعة وطن، نص مرافعة زعيم المعارضة البحرينية الشيخ علی سلمان امام القضاء البحريني، الطبعة الأولى ۱۴ فبراير، جمعية الوفاق الوطني الإسلامية.
۳۱. مرآة البحرين. (۲۰۱۳). جدران ۱۴ فبراير، جرافيتي ثورة البحرين، الطبعة الأولى، مرآة البحرين.
۳۲. مرآة البحرين. (۲۰۱۲). نصوص النتائج في تقرير اللجنة البحرينية المستقلة لتقصي الحقائق، مرآة البحرين.
۳۳. مرزوق، عادل. (۲۰۱۲). ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، مرآة البحرين، ص ۱۸۳ تا ۱۹۳.
- ه- اینترنتی
۳۴. الجزيرة، (۱۳۹۶/۸/۲۲)، «تظاهرات مناهضة للحكومة البحرين»، قابل مشاهده در: <http://yon.ir/nYV79>
۳۵. الجزيرة، (۱۳۹۶/۸/۲۲)، «قتيل بالبحرين خلال تشييع متظاهر»، قابل مشاهده در: <http://yon.ir/Zrpal>
۳۶. الجزيرة، (۱۳۹۶/۸/۲۲)، «التعديل الوزاري بالبحرين على المحك»، قابل مشاهده در: <http://yon.ir/aNuj5>

۳۷. الجزيرة، (۱۳۹۶/۹/۱۳)، «۳ قتلى و منامة تبرز تدخل الأمن»، قابل مشاهده در:

<http://yon.ir/PPFgk>

۳۸. المسقطي، أماني، (۱۳۹۶/۷/۲۵)، «فريدوم هاوس»: البحرين «غير حرة» للعام الخامس على التوالي، صحيفة الوسط ۲۵/۱/۲۰۱۴»، قابل مشاهده در:

<http://yon.ir/Rktoi>

۳۹. حسين، جاسم، (۲۰۱۵)، «الإقتصاد البحرينى فى ۲۰۱۵: العقوبات و التحديدات»، تاريخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۱/۲۹)، قابل مشاهده در:

<http://yon.ir/n4xPg>

۴۰. مرآة البحرين، (۱۳۹۶/۹/۲۱)، «تقرير ينشر تحليلات و احصائيات عن شركات الإتصالات و شبكات الجوال فى البحرين»، قابل مشاهده در:

<http://yon.ir/fAolM>

و- انگلیسی

41. Bassiouni, Mahmoud Cherif, (2011). *Report of the Bahrain Independent Commission of Inquiry*, Novamber 2011.
42. Castells, Manuel, (2015), *Network of Outrage and Hope, Social Movements in the Internet Age*, second edition, Polity Press, United Kingdom.
43. Friedman, Thomas L. (2011). "This Is Just the Start", The New York Times, last seen (12/2/2017), retrieved from below website:<http://yon.ir/Qkk8i>
44. IndexMundi, (2017), "Bahrain Literacy", last seen (12/3/2017), retrieved from below website:<http://yon.ir/eLKjv>
45. Malas, Nour & Hafidh, Hassan & Millman, Joel, (2011). "Protests Emerge in Jordan, Bahrain", the WALL STREET JOURNAL 1/5/2011, last seen (12/4/2017), retrieved from below website:<http://yon.ir/a1Nfb>
46. Wikileaks, (2005), "Police Arrest Webmaster of Bahrain On-line Internet Site", published in Wikileaks, 1/3/2005, last visit (12/3/2017), retrieved from below websites:<http://yon.ir/Hf2rC>
47. Slackman, Michel, (2011). Bahrain Takes the Stage with a Raucous Protest, The New York Times, Middle East, last seen (12/4/2017), retrieved in below website:<http://yon.ir/HBimc>